



بها نه تراشی علیه پزشک‌یان
تندروها طرح سوال از رئیس‌جمهور را کلید زدند



برکت تحریم؟
نقدی بر سخنان عباس عراقچی



روایتگر راستین اساطیر
درباره بهرام بیضایی



جنگال یک هستند

مستند «ترانه» با روایت ترانه علیدوستی از وقایع ۱۴۰۱ با ۲۵ میلیون بازدید، در کمتر از ۴۸ ساعت مخالفان و مدافعان بسیاری یافت

سرمقاله

بودجه‌ای که نجات نمی‌دهد

مسائل ایران، نیازمند تصمیم‌گیری‌های بزرگ و شجاعانه، هرچند تلخ است



سیدحسین مرعشی

دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران

دولت در شرایطی لایحه بودجه ۱۴۰۵ را به مجلس تقدیم کرده که اقتصاد ایران در دو سال اخیر، گرفتار رکود تورمی کم‌سابقه‌ای بوده است؛ رکودی که به‌احتمال زیاد از همه تورمی که قبلاً اقتصاد ایران تجربه کرده، عمیق‌تر است. به‌طور مشخص پیش‌بینی می‌شود که تا پایان سال جاری، شاخص تورم حداقل به ۵۵ درصد برسد و رکورد تاریخی جدیدی ثبت کند. در همین حال، رشد اقتصادی نیز به‌رغم پیش‌بینی برنامه که قرار بود، اقتصاد کشور در سال جاری ۸ درصد رشد داشته باشد براساس بررسی‌های مرکز پژوهش‌های مجلس به احتمال زیاد به منفی ۲ درصد خواهد رسید.

در چنین شرایطی، تورم ۵۵ درصدی، دو حکم متضاد اما همزمان را بر اقتصاد و بر دولت تحمیل می‌کند. از یک‌سو، هزینه‌های دولت برای ترمیم حقوق کارکنان دولت باید متناسب با نرخ تورم افزایش یابد اما جهتی که این رکود تورمی به کشور تحمیل می‌کند، افزایش هزینه‌های عمومی و هزینه‌های دولت است. از سوی دیگر، رشد اقتصادی منفی حکمی معکوس صادر می‌کند و جهتی که به اقتصاد می‌دهد، کاهش درآمدهای دولت است. بدیهی است زمانی که اقتصاد کشور با رشد منفی مواجه باشد، دخل و خرج با یکدیگر هم‌خوانی نخواهند داشت؛ درآمدها کاهش می‌یابد و تحقق مالیات‌ها نیز با افت مواجه می‌شود.

در چنین شرایطی، دولت ناچار بودجه‌ای را تدبیر کرده که به‌جای افزایش ۵۵ یا حتی ۵۰ درصدی دستمزد کارکنان خود، تنها افزایش ۲۰ درصدی حقوق و هزینه‌ها را در نظر گرفته است. نتیجه آن است که در سال آینده، کارکنان دولت و مستمری‌بگیران صندوق‌های بازنشستگی نسبت به سال ۱۴۰۴ ناچار خواهند بود حدود ۳۵ درصد از هزینه‌های خود را کاهش دهند؛ به بیان دیگر، خانوارهای کارکنان دولت و بازنشستگان باید ۳۵ درصد کمتر هزینه کنند.

از سوی دیگر، دولت برای متعادل‌سازی درآمدها با هزینه‌ها، پیش‌بینی کرده است که درآمدهای مالیاتی را ۵۰ درصد افزایش دهد. این افزایش ۵۰ درصدی درآمدهای مالیاتی بسیار خوش‌بینانه به‌نظر می‌رسد؛ چراکه در سال ۱۴۰۴ که اکنون در آن قرار داریم، پیش‌بینی می‌شود حداکثر تحقق درآمدهای مالیاتی دولت حدود ۷۰ درصد باشد. به این معنا که دولت سال ۱۴۰۴ را در حالی به پایان خواهد رساند که حدود ۳۰ درصد از درآمدهای مالیاتی پیش‌بینی شده محقق نشده است و شرایط رکود تورمی نیز به سال آینده منتقل خواهد شد. در چنین شرایطی، چطور می‌توان باور کرد که دولت قادر خواهد بود، درآمدهای مالیاتی‌اش را ۵۰ درصد افزایش دهد؟

حتی با فرض تحقق این درآمدها، چنین فشاری بر اقتصاد و بنگاه‌ها، رکود کشور را تشدید خواهد کرد. منابعی که می‌توانست برای سرمایه در گردش واحدهای تولیدی مورد استفاده قرار گیرد یا بخشی از هزینه‌های استهلاک را جبران کند از چرخه تولید خارج می‌شود و این امر در برخی موارد می‌تواند حتی به شکل‌گیری موج‌های جدید تورمی منجر شود. افزایش بدهی‌ها و انتقال مستمر منابع به دولت هم اقتصاد را وارد یک رکود جدی‌تر خواهد کرد.

این همه در شرایطی است که بعید به نظر می‌رسد مجلس نیز به سادگی با دو محور اصلی این لایحه موافقت کند. اول، افزایش سنگین مالیات‌ها و دوم افزایش حداقل ۲۰ درصدی حقوق کارکنان دولت. مجلس به‌طور طبیعی به سمت افزایش بیشتر حقوق‌ها حرکت خواهد کرد که این امر به کسری بودجه دولت دامن می‌زند. از سوی دیگر، اگر مالیات‌ها کاهش یابد، درآمدهای دولت باز هم کمتر شده و کسری بودجه تشدید خواهد شد.

ادامه در صفحه ۲

نیمه مخوف پوتین

انتشار اسناد محرمانه آرشیو امنیت ملی آمریکا که شامل گفت‌وگوهای خصوصی پوتین و بوش رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده، درباره برنامه هسته‌ای ایران است، نشان می‌دهد که رئیس‌جمهور روسیه بر لزوم «مجازات ایران» در صورت دستیابی به سلاح هسته‌ای تأکید داشته و نمی‌خواست ایران به این فناوری برسد



ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل

انتشار اسناد تازه از آرشیو امنیت ملی آمریکا، بار دیگر یکی از پیچیده‌ترین پرونده‌های سیاست خارجی معاصر را در مرکز توجه قرار داده است: رابطه ایران و روسیه در سایه مناقشه هسته‌ای. اسنادی که به سال‌های ۲۰۰۱، ۲۰۰۵ و ۲۰۰۸ بازمی‌گردند، نه فقط جزئیاتی از گفت‌وگوهای محرمانه میان رهبران آمریکا و روسیه را آشکار می‌کنند بلکه پرده از برداشت‌ها و محاسباتی برمی‌دارند که سال‌ها در لایه‌های دیپلماسی پنهان باقی مانده بود.

در گفت‌وگوی نخست که در جریان دیدار دو رهبر در ۱۶ ژوئن ۲۰۰۱ در قلعه «بردو» اسلوونی انجام شد، در پی ابراز نگرانی جورج بوش درباره برنامه هسته‌ای ایران و فروش تسلیحات به تهران، ولادیمیر پوتین گفت که فروش فناوری موشکی به ایران را محدود می‌کند و تأیید کرد که ایران به دنبال دستیابی به سلاح هسته‌ای است.

پوتین گفت: «کارشناسان ایرانی از کارشناسان ما سوالات بسیاری درباره موضوعات حساس می‌پرسند. شکی نیست که آنها سلاح هسته‌ای می‌خواهند». او افزود: «من به افرادمان گفتم که راجع به چنین مسائلی با آنها صحبت نکنند».

ادامه در صفحه ۳



سیاست

دیپلماسی، تنها راه خروج از بحران

روایت ظریف از دلایل کناره‌گیری
تا هشدار درباره آینده منطقه

گروه سیاسی: محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه پیشین ایران، در مصاحبه‌ای جامع و صریح با شبکه «العربی» به تشریح دیدگاه‌هایش درباره طیف وسیعی از موضوعات، از دلایل واقعی کناره‌گیری‌اش از دولت گرفته تا تحلیل روابط پرتش منطقه و نفوذ اسرائیل در سیاست‌های جهانی پرداخت و تصویری روشن از دیپلماسی ایرانی و هشدار جدی درباره آینده خاورمیانه ارائه داد.

یکی از مهم‌ترین بخش‌های این مصاحبه، شفاف‌سازی ظریف درباره علت ترک کابینه بود. او برخلاف تصور عمومی که رفتن او را یک استعفا می‌دانستند، پرده از فشارهای داخلی برداشت و گفت: «از من خواستند که بروم نه اینکه استعفا بدهم». او دلیل این درخواست را قانون مصوب مجلس درباره تابعیت دوگانه اعضای خانواده مسئولان عنوان کرد و ضمن رد قاطعانه داشتن گرین‌کارت یا تابعیت آمریکا برای خود، تأیید کرد که فرزندانش به دلیل تولد در آمریکا، تابعیت آن کشور را دارند اما در ایران زندگی می‌کنند.

این افشاگری، نگاهی عمیق‌تر به فشارهای سیاسی داخلی بر تیم دیپلماسی دولت سابق می‌اندازد. محور اصلی تحلیل‌های ژئوپلیتیک ظریف، تمرکز بر نقش اسرائیل به‌عنوان منشأ اصلی بی‌ثباتی در منطقه بود. او با قاطعیت اعلام کرد: «دشمنی اسرائیل علیه کشورهای عربی است نه ایران». ظریف از این هم فراتر رفت و به نفوذ لابی تل‌آویو در واشنگتن اشاره کرد: «امروز حتی خود آمریکایی‌ها می‌گویند، این اسرائیل است که ایالات متحده را کنترل می‌کند». از نگاه او، بنیامین نتانیاهو بزرگ‌ترین مانع صلح و راه‌حل دودولتی است و تنها پروژه‌ای که دنبال می‌کند «جنگ» است.

او تأکید کرد که تکنولوژی هسته‌ای ایران را نمی‌توان با بمب یا تحریم از بین برد و تنها راه، تعامل و همکاری منطقه‌ای برای رسیدن به صلح است. ظریف در ترسیم روابط ایران و جهان عرب، روایتی پیچیده از اتحاد و گله‌مندی ارائه داد. او ضمن یادآوری اینکه اقدامات ایران همواره برای «حمایت از عرب‌ها، مسلمانان و مقابله با تروریسم» بوده با لحنی گلابه‌آمیز به عدم حمایت متقابل اشاره کرد: «هیچ‌یک از جریان‌ها و کشورها در جهان عرب طی نزدیک به ۴۵ سال گذشته برای حمایت از ایران گولبه شلیک نکرده‌اند». او همچنین به کمک‌های میلیارد دلاری کشورهای عربی به صدام حسین در جنگ با ایران اشاره کرد اما در عین حال، مخالفت برخی «دوستان عرب» با برجام را هم‌تراز با مخالفت اسرائیل دانست و هشدار داد که بحران در منطقه، دامن‌گیر همه خواهد شد.

وزیر خارجه پیشین ایران، حضور در سوریه را نه برای «اشغالگری» بلکه به دعوت رسمی دمشق و برای «جلوگیری از اشغال» آن کشور توسط نیروهای خارجی و تروریست‌ها توصیف کرد. او با نگاهی به آینده، موضعی باز در قبال تحولات اخیر اتخاذ کرد و گفت: «در برابر «سوریه جدید» موضع منفی نداریم» و از گفت‌وگو با مقامات جدید استقبال می‌کنیم. ظریف در پایان، پیام اصلی خود را تکرار کرد: «دیپلماسی تنها راه خروج از وضعیت کنونی و تنگنای موجود است».

او با طرح این پرسش کلیدی که «آیا باید اجازه دهیم نتانیاهو و ترامپ برای منطقه تصمیم بگیرند؟» همه کشورهای منطقه را به هوشیاری و در دست گرفتن سرنوشت خود فراخواند و بر ضرورت جلوگیری از تسلیم شدن در برابر طرح‌های آمریکا و غرب برای خاورمیانه تأکید کرد.



بهانه‌تراشی علیه پزشک‌یان

تندروها طرح سوال از رئیس‌جمهور را کلید زدند



عاطفه شمس

گروه سیاسی

بحث طرح سوال از رئیس‌جمهور دوباره در مجلس مطرح شده؛ ابزار نظارتی‌ای که در قانون اساسی پیش‌بینی شده و همواره یکی از پرهزینه‌ترین و سیاسی‌ترین ابزارهای نظارتی مجلس بوده است. این بار نیز در شرایطی که دولت چهاردهم هنوز در آغاز فعالیت خود قرار دارد، برخی نمایندگان از کلید خوردن طرح سوال از رئیس‌جمهور خبر داده‌اند؛ طرحی که محور اصلی آن، وضعیت نابسامان اقتصادی کشور عنوان شده است. مجتبی ذوالنور، یکی از نمایندگان مجلس، اعلام کرده که طرح سوال از رئیس‌جمهور در دستورکار قرار گرفته است. به گفته او، نوسانات شدید ارز، تورم بالا، کاهش قدرت خرید مردم و مشکلات معیشتی، نمایندگان را به این جمع‌بندی رسانده که توضیحات مستقیم رئیس‌جمهور در صحن علنی مجلس، ضروری است. ذوالنور تأکید کرده که اگر تعداد امضاها به حد نصاب قانونی برسد، این طرح به‌صورت رسمی وارد مراحل بعدی می‌شود و رئیس‌جمهور مجبور می‌شود در مجلس حضور پیدا کرده و پاسخ دهد. به گفته ذوالنور، محورهای احتمالی سوال بیشتر درباره عملکرد اقتصادی دولت است؛ از سیاست‌های ارزی و پولی گرفته تا برنامه‌ها برای کنترل تورم و مدیریت مشکلات معیشتی. گرچه متن نهایی سوالات هنوز منتشر نشده اما به‌نظر می‌رسد که نمایندگان منتقد عمدتاً به تأثیرات منفی وضعیت اقتصادی بر زندگی روزمره مردم تمرکز دارند.

نظارت یا فشار زود هنگام؟

اما طرح سوال از رئیس‌جمهور در این مقطع زمانی، معانی سیاسی مختلفی دارد. از یک طرف، مجلس می‌خواهد نشان دهد که در مقابل ناراضیاتی‌های مردم از وضعیت اقتصادی بی‌تفاوت نیست و از ابزارهای قانونی خود برای پیگیری مسائل استفاده می‌کند. از طرف دیگر، دولت هنوز فرصت کافی برای اجرای کامل برنامه‌های اقتصادی خود نداشته و معتقد است بسیاری از مشکلات فعلی میراث دوره‌های قبل و تصمیمات کلان، ساختاری است. در همین چارچوب، برخی تحلیل‌گران سیاسی معتقدند این طرح بیشتر پیام سیاسی به دولت دارد تا اینکه مسئله‌ای را حل کند؛ پیامی که نشان می‌دهد، مجلس قصد دارد سطح انتظار و فشار نظارتی را بالا نگه دارد. در مقابل، گروهی از نمایندگان معتقدند که شرایط بحرانی اقتصاد، فرصتی برای صبر و «فرصت دادن» باقی نگذاشته و مجلس ناچار است، نقش فعال‌تری ایفا کند.

در همین رابطه غلامحسین کرباسچی، دبیرکل پیشین حزب کارگزاران سازندگی ایران، معتقد است که «طرح سوال مجلس عالی است اما در صورتی که پزشک‌یان، حقایق را راجع به خود این آقایان هم بگوید اما متأسفانه رئیس‌جمهور صبر می‌کند. کاش گرفتاری‌هایی که منشأ اصلی‌شان، رفتار همین آقایان است و سال‌هاست برای مردم دردسر شده هم مطرح و باز شوند». کرباسچی تأکید کرد: «مجموعه وضعیت کشور، محصول کاریک سال آقای پزشک‌یان که نیست. این آقایان همان کسانی هستند که از زمان احمدی‌نژاد تا به حال برای گرفتاری بیشتر روز به‌روز تلاش کردند. اگر در مورد خود این آقایان هم شفاف‌سازی شود تا مردم بدانند در انتخابات آینده با چه کسانی روبه‌رو هستند، خوب است. اینکه چه کسانی و چطور با ۱۰ درصد آرا به مجلس رفته‌اند و شرایط امروز کشور را ایجاد کرده‌اند». او درباره احتمال جنجال‌آفرینی بسا فاش کردن حقایق، گفت: «به‌هر حال این مجلس است که جنجال درست می‌کند. رئیس‌جمهور با نیروهای سیاسی که این کار را نکرده‌اند. اگر بگویم چنین کاری نکنند، خیلی بد است چون وظیفه مجلس همین است. به‌نظر من خوب است اما رئیس‌جمهور هم باید شفاف پاسخ داده و مردم را در جریان قرار دهد. نمی‌شود که یک طرف هرچه می‌خواهد، بگوید و هر هتیمی می‌خواهد بزند بعد طرف مقابل هر بار به‌خاطر مردم، کشور و انقلاب سکوت کند». کرباسچی درباره آنچه پاسخ شفاف رئیس‌جمهور می‌خواند، تصریح

ادامه سر مقاله

بودجه‌ای که نجات نمی‌دهد

تشریح این ارقام به‌روشنی نشان می‌دهد، همان‌گونه که بسیاری از کارشناسان اقتصادی معتقدند، اقتصاد ایران به نقطه‌ای رسیده است که دیگر نمی‌توان با حرکت‌های تاکتیکی و جابه‌جایی ارقام در بودجه، مشکلات آن را حل کرد. با این ساختار اقتصادی و با این شرایط، لایحه‌ای بهتر از این هم قابل تدوین نیست و تصویب آن در مجلس هم هیچ کمک مؤثری به حل مشکلات

کرد: «کاش آقای پزشک‌یان شفاف بگوید که این آقایان دنبال چه مسائلی هستند و به اسم نمایندگی چه دخالتی در امور اجرایی کشور می‌کنند. کاش بگوید برای مدیرانی که آقای رئیس‌جمهور آنها را صالح می‌داند، چه کارشکنی‌هایی که نکرده‌اند. مسائل سیاست خارجی یا داخلی و یا وضعیت اقتصادی امروز سال‌ها متأثر از عملکرد همین آقایان بوده و شرایط حال حاضر درست شده است. خوب است که اینها از سوی رئیس‌جمهور بیان شود».

سازوکار قانونی سوال از رئیس‌جمهور

سازوکار سوال از رئیس‌جمهور طبق اصلاح مواد ۱۹۶ و ۱۹۷ آیین‌نامه داخلی مجلس در اردیبهشت ۱۳۹۱ مشخص شده است. براساس این مقررات و طبق اصل ۸۸ قانون اساسی، اگر حداقل یک چهارم نمایندگان خواستار طرح سوال از رئیس‌جمهور باشند باید سوالات خود را به‌صورت واضح، کوتاه و روشن تنظیم کرده، همه امضا کنند و به رئیس‌مجلس تحویل دهند. سپس رئیس‌مجلس موظف است، موضوع را سریعاً به کمیسیون‌های تخصصی مربوط ارجاع دهد. هر کمیسیون حداکثر ظرف یک هفته جلسه‌ای



بسا حضور نماینده رئیس‌جمهور و نماینده سوال‌کنندگان برگزار می‌کند. در این جلسه، نماینده رئیس‌جمهور پاسخ‌های اولیه را ارائه می‌دهد تا سوال‌کنندگان از آن مطلع شوند. اگر پس از گذشت یک هفته حداقل یک‌چهارم نمایندگان همچنان بر طرح سوال اصرار داشته باشند، رئیس‌مجلس موظف است در اولین جلسه علنی، سوالات را قرائت کرده و فوراً آنها را برای رئیس‌جمهور ارسال کند. این سوالات ظرف ۴۸ ساعت تکثیر شده و در اختیار تمام نمایندگان قرار می‌گیرد. طبق تصره‌های آیین‌نامه، تعداد سوالات نباید از پنج مورد بیشتر باشد و پس از ارسال رسمی، امکان افزایش یا کاهش تعداد امضاها وجود ندارد. همچنین براساس ماده ۱۹۷ آیین‌نامه، رئیس‌جمهور باید ظرف یک ماه از دریافت سوالات در جلسه علنی مجلس حاضر شده و به آنها پاسخ دهد، مگر اینکه عذر موجهی داشته باشد که تشخیص آن با مجلس است. زمان برای طرح سوال توسط نماینده منتخب سوال‌کنندگان حداکثر ۳۰ دقیقه و زمان پاسخ‌رئیس‌جمهور حداکثر یک ساعت خواهد بود. پس از پایان پاسخ‌های رئیس‌جمهور به‌صورت جداگانه درباره قانع‌کننده بودن یا نبودن توضیحات او در مورد هر سوال رأی‌گیری می‌شود. اگر اکثریت نمایندگان حاضر، اعلام کنند که از پاسخ‌ها قانع نشده‌اند و پاسخ‌ها ناقض قانون یا استتکاف از اجرای قانون باشد، آن سوال برای رسیدگی به قوه قضائیه ارسال می‌شود. مرحله‌ای که می‌تواند، تبعات حقوقی و سیاسی جدی‌تری برای دولت به همراه داشته باشد.

سابقه سوال از رؤسای‌جمهور

اگرچه اصل ۸۸ قانون اساسی امکان طرح سوال از رئیس‌جمهور را پیش‌بینی کرده است، اما این ابزار تا دهه‌ها عملاً استفاده نمی‌شد. نخستین تلاش جدی برای طرح سوال از رئیس‌جمهور به مجلس هفتم برمی‌گردد، زمانی که اکبر اعلمی، نماینده تبریز، موضوع سوال از محمود احمدی‌نژاد را مطرح کرد. این تلاش هر چند با جمع‌آوری

امضاهایی همراه شد اما در نهایت به نتیجه نرسید.

در مجلس هشتم، علی مطهری، نماینده تهران، بار دیگر موضوع سوال از رئیس‌جمهور را پیگیری کرد و پس از کش‌وقوس‌های فراوان، برای نخستین‌بار پس از ۳۲ سال، این طرح به مرحله اجرا رسید. محمود احمدی‌نژاد در ۲۴ اسفند ۱۳۹۰ در صحن علنی مجلس حاضر شد و به مجموعه‌ای از سوالات نمایندگان پاسخ داد. در این جلسه، نمایندگان طیف وسیعی از مسائل را مطرح کردند، ازجمله موضوعات اقتصادی، قانون‌گریزی، سیاست داخلی و خارجی و مسائل فرهنگی. در حوزه اقتصادی، عدم اجرای قانون تسهیلات ارزی برای مترو، نرخ پایین رشد اقتصادی و ادعای ناکافی بودن ایجاد شغل از مهم‌ترین دغدغه‌های نمایندگان بود. در زمینه قانون‌گریزی، نمایندگان به تأخیر در معرفی وزیر ورزش و جوانان و اظهارنظر رئیس‌جمهور مبنی بر اینکه «مجلس در رأس امور نیست» اشاره کردند. مسائل سیاست داخلی و خارجی نیز شامل خانه‌نشینی ۱۱ روزه رئیس‌جمهور در اعتراض به ابقای وزیر اطلاعات و نحوه عزل وزیر امور خارجه در حین مأموریت بود. علاوه بر این نمایندگان در حوزه فرهنگی به شیوه هزینه‌کرد بودجه فرهنگی و ترویج مفهومی تحت عنوان «مکتب ایرانی» انتقاد داشتند.

در ادامه، پاسخ‌های رئیس‌جمهور که با لحنی طنزآمیز و کنایه‌آلود ارائه شد، نتنها نمایندگان را قانع نکرد بلکه با اعتراض شدید گروهی از نمایندگان مواجه و فضای جلسه به‌وضوح متشنج شد. حضور پررنگ اعضای ارشد دولت در کنار رئیس‌جمهور هم نتوانست از شدت انتقادات بکاهد. با وجود این عدم اقناع، خلأهای قانونی آیین‌نامه وقت مجلس باعث شد که این موضوع نتیجه عملی مشخصی نداشته باشد و به قوه قضائیه ارجاع نشود. همین تجربه باعث شد، مجلس در اردیبهشت ۹۱ آیین‌نامه داخلی خود را اصلاح کند.

در سال‌های پایانی دهه ۹۰ حسن روحانی نیز با طرح سوال نمایندگان مواجه شد. این جلسه در شرایطی برگزار شد که کشور با چالش‌های ناشی از خروج آمریکا از برجام و افزایش شدید نرخ ارز روبه‌رو بود. در سال ۱۳۹۷ روحانی در چند محور به مجلس پاسخ داد. تمرکز اصلی نمایندگان بر عملکرد اقتصادی دولت بود؛ آنها به ناکامی دولت در کنترل قاچاق کالا و ارز، استمرار تحریم‌های بانکی به‌رمغ برجام، کاهش نیافتن نرخ بیکاری و رکود اقتصادی و افزایش سریع نرخ ارز و کاهش شدید ارزش پول ملی اشاره کردند. درنهایت، نمایندگان تنها در مورد استمرار تحریم‌های بانکی از پاسخ‌های رئیس‌جمهور قانع شدند و در چهار محور دیگر پاسخ‌ها را کافی ندانستند و براساس آیین‌نامه اصلاح شده، سوالاتی که نمایندگان در مورد آنها قانع نشده بودند به قوه قضائیه ارسال و مراحل قانونی آن دنبال شد. علاوه بر این، در تیرماه ۱۳۹۹ مجلس یازدهم طرح سوال دیگری از رئیس‌جمهور با محوریت مسائل اقتصادی را با امضای حدود ۱۳۰ تا ۲۰۰ نماینده به هیأت‌رئیس‌ه تقدیم کرد. نمایندگان به وضعیت نابسامان اقتصادی، افزایش قیمت‌ها، کاهش ارزش پول ملی، نوسانات در بازار ارز، مسکن و خودرو و نحوه اجرای سیاست‌ها انتقاد داشتند. اما این طرح به برگزاری جلسه علنی سوال و پاسخ‌دهی روحانی در مجلس منتهی نشد و در نهایت هیچ جلسه رسمی سوالی هم در صحن برگزار نشد. امری که نشان می‌دهد، سوال از رئیس‌جمهور در این مقطع صرفاً یک فشار سیاسی علیه دولت بود و خروجی حقوقی نداشت.

در حال حاضر نیز بازگشت بحث سوال از رئیس‌جمهور، آن هم در شرایط بحرانی اقتصاد، نشان‌دهنده فعال شدن دوباره یکی از حساس‌ترین ابزارهای نظارتی مجلس است. ابزاری که گرچه در ظاهر برای پاسخ‌گویی و شفافیت طراحی شده اما تجربه‌های پیشین نشان می‌دهد که بیشتر از آنکه به حل مسائل ساختاری منجر شود به صحنه‌ای برای تقابل سیاسی بدل شده است. باید دید این بار، سوال از رئیس‌جمهور می‌تواند به روشن شدن مسیر سیاستگذاری اقتصادی کمک کند یا دوباره به فهرست تقابل‌های پرهزینه میان دولت و مجلس اضافه خواهد شد.

ادامه دهند و خود را به خواب زده و بودجه‌ای را تصویب کنند که تحقق آن عملاً غیرممکن است، مشکلی ندارد اما اگر نسبت به خطرات جدی پیش‌روی اقتصاد ایران آگاه هستند باید با صداقت مشکلات را با مردم در میان بگذارند، گزارش‌های واقع‌بینانه‌ای به رهبری ارائه دهند و تصمیمات شجاعانه‌ای اتخاذ کنند تا اقتصاد ایران از شرایط رکود تورمی شکنده و تهاجمی فعلی خارج شود.

اقتصاد ایران نخواهد کرد. به نظر می‌رسد، بهتر آن است که هم دولت و هم مجلس با صراحت و صداقت بیشتری، شرایط کشور را برای مردم و برای مقام معظم رهبری تشریح کنند. فرار دولت و مجلس از واقعیت‌ها هیچ مشکلی از ایران حل نخواهد کرد. مسئله ایران نیازمند تصمیم‌گیری‌های بزرگ و شجاعانه هرچند تلخ است. اگر دولت و مجلس بخواهند به همین شیوه



سال هشتم شماره ۲۱۴۸
شنبه ۶ دی ۱۴۰۴

بررسی تحولات جهان

افق

برکت تحریم؟

نقدی بر اظهارات عراقچی در جمع فعالان اقتصادی اصفهان

«ایرانیان از تحریم‌های آمریکا و البته کاسبان داخلی تحریم که نان در خون مردم می‌زنند و شریک جنایات تحریم‌کنندگان هستند، نخواهند گذشت». «تحریم‌های غیرقانونی و ظالمانه علیه ایران جنایت علیه بشریت محسوب می‌شوند و طرف‌های تحریم‌کننده و اجراکنندگان تحریم‌ها باید به‌خاطر ارتکاب این جنایت بازخواست شوند». «مردم ایران دهه‌ها با چالش‌های جدی ازجمله تحریم‌های اقتصادی ناعادلانه و تروریسم روبه‌رو بوده‌اند که تأثیرات مخرب بسیاری بر حقوق اجتماعی و اقتصادی آنان داشته است».

اینها تنها بخشی از اظهارات سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه در سال‌های اخیر در رابطه با اثرات تحریم بر وضعیت کشور است. اما اظهارات اخیر او در جمع فعالان اقتصادی اصفهان نیز قابل تأمل بوده که در روزهای اخیر سروصدای زیادی در فضای مجازی به پا کرده است. وزیر خارجه با وجود اشاره به مشکلات و هزینه‌های تحریم خطاب به حضار می‌گوید: «بپذیریم که می‌شود با تحریم زندگی کرد و از برکات آن هم آگاه هستیم!» اما عراقچی پا را فراتر گذاشت و گفت: «اگر بدانید در مسیر رفع تحریم‌ها چه مشکلاتی وجود دارد، خود شما خواهید گفت، ولش کن!

ادامه تیتربک

نیمه مخوف پوتین

در این دیدار همچنین بوش ضمن تکذیب گزارش‌ها مبنی بر تلاش آمریکا برای عادی‌سازی روابط با ایران با اشاره به تصویب تحریم‌ها علیه ایران در کنگره آمریکا گفت که کنگره، چنین امری را عملاً غیرممکن کرده است.

سند دوم مربوط به دیدار ولادیمیر پوتین و جورج بوش در ۱۶ سپتامبر ۲۰۰۵ در دفتر بیضی شکل کاخ سفید است. این دیدار که با حضور کاندولیزا رایس، وزیر خارجه وقت و دونالد رامسفلد وزیر دفاع وقت آمریکا همچنین سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسیه انجام شد عمدتاً بر برنامه هسته‌ای ایران و جلوگیری از دستیابی تهران به سلاح هسته‌ای متمرکز بود.

در این جلسه همچنین ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل متحد مطرح می‌شود. طبق این گفت‌وگو، روسیه با توجه اینکه این امر ممکن است تهران را به پیگیری مسیر کره‌شمالی برای دستیابی به سلاح هسته‌ای ترغیب کند با این موضوع مخالفت کرده است. با این حال نکته مهم این است که در اینجا ابتدا پوتین به اقدام نظامی علیه ایران اشاره کرد. پوتین گفت: «نگرانی ما این است که ارجاع فوری باعث شود، ایران مسیر کره‌شمالی را در پیش بگیرد. اگر واقعاً در پی سلاح هسته‌ای باشند، کنترل آنچه در ایران رخ می‌دهد را از دست می‌دهیم. آن وقت باید کاری بکنیم. چه کاری؟ حمله؟ چه کسی؟ کجا؟ چه اهدافی؟ آیا از اطلاعاتی که دارید، مطمئنید؟ مهم است برای موضع‌مان مبنای بسازیم». او افزود: «اما با جورج موافقم. اگر ایران قوانین بین‌المللی را، آنگونه که همین جا صورت‌بندی شد، نقض کند، آنگاه حق داریم، موضوع را به شورای امنیت ببریم».

این جلسه درست یک ماه پس از آغاز ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد برگزار شد. پوتین در این جلسه گفت که یک ساعت و بیست دقیقه با احمدی‌نژاد صحبت کرده و به او گفته است که اگر به مذاکرات هسته‌ای با اروپایی‌ها ادامه ندهد، ایران منزوی خواهد شد. در دیدار سپتامبر ۲۰۰۵ بوش با اشاره به نگرانی‌های اسرائیل به برنامه هسته‌ای ایران تأکید کرد که اگرچه گزینه نظامی «بد» است اما باید همچنان روی میز باشد. سند سوم مربوط به دیدار جورج بوش با ولادیمیر پوتین در سال ۲۰۰۸ در اقامتگاه رئیس‌جمهوری روسیه در شهر سوچی این کشور است. در این دیدار نیز برنامه هسته‌ای ایران یکی از مسائل اصلی گفت‌وگوی دو رهبر بود. پوتین در این جلسه گفت که درباره ایران «همه چیز در حال کنترل است». او با این حال گفت که ایران در برخی موارد قصد دارد، امور را «مخفیانه» پیش ببرد و افزود: «پیدایشان می‌کنیم و مجازات می‌شوند». جورج بوش با اشاره به طرح پیشنهادی روسیه در آن زمان مبنی بر فراهم کردن سوخت هسته‌ای برای نیروگاه‌های اتمی ایران و جلوگیری از غنی‌سازی، خطاب به پوتین گفت: «طرح شما بسیار هوشمندانه بود. رهبران ایران می‌گویند، برق هسته‌ای غیرنظامی می‌خواهند؛ ما می‌گوییم خب، حق شماس. روسیه می‌گوید، این هم سوخت؛ پس نیازی به غنی‌سازی ندارید. اگر غنی‌سازی کنید، نشان می‌دهد برق

شکی نیست که شرایط پس از جنگ ۱۲ روزه، تفاوت زیادی نسبت به گذشته دارد اما یک پرسش مهم و اساسی که هنوز بی‌پاسخ مانده این است که تکلیف رفع تحریم‌ها که یکی از مهم‌ترین وعده‌های دولت چهاردهم بود، چه می‌شود؟ و مردم تا چه زمانی باید زیر بار هزینه‌های کمرشکن به گذران زندگی بپردازند؟»

این اظهارات همچنین ابعاد تازه‌ای از نگاه رسمی به تحریم‌ها را نشان می‌دهد. این جملات نشان می‌دهد که دولت هم‌زمان با اذعان به فشارهای ناشی از تحریم، تلاش دارد واقعیت‌های فرآیندی رفع تحریم‌ها را نیز به‌نحوی بیان کند که به‌نوعی دلایل تأخیرها قابل فهم شود. دلایلی که با فشار سنگین هزینه‌های زندگی دیگر برای مردم توجیه‌پذیر نیست و در همان مسیری حرکت می‌کند که گاهی در صداوسیما شاهد آن هستیم. مانند کارشناسی که مردم را به جایگزینی جو با برنج به دلیل گرانی و کمبود آن تشویق می‌کند.

اما پرسش اصلی این است که دقیقاً این «برکات» در زندگی روزمره مردم ایران چگونه نمود یافته است؟ آیا برکات تحریم در فقر بیشتر، افزایش چشمگیر قیمت ارز و سکه، یا هزینه‌های دلاری در کنار درآمد ریالی مردم دیده می‌شود؟ یا در میوه،

غیرنظامی نمی‌خواهید و چیز بیشتری می‌خواهید».

پوتین با اشاره به اینکه ارسال سامانه‌های موشکی «اس-۳۰۰» به ایران را مشروط به رفتار تهران کرده است، گفت: «چهار سال پیش با آنها قرارداد امضا کردیم اما اجرا نشده است».

بوش در پاسخ به این اظهارات گفت: «از شما قدردارم. آنها دیوانه‌اند».

پوتین پاسخ داد: «آنها کاملاً دیوانه‌اند».

پوتین افزود: «چیزی که من را شگفت‌زده کرده، این است که اگرچه ایدئولوژی آنها دیوانه‌وار است اما هوشمندند، تحصیلات دانشگاهی دارند و از محیط آکادمیک آمده‌اند؛ ازجمله احمدی‌نژاد، اطرافیان و رئیس مجلس. آدم‌های بدوی نیستند. برایم شگفت‌آور بود».

بازی آشنای روس‌ها

روایت این اسناد بیش از هر چیز نشان می‌دهد که چگونه بازیگران بزرگ هم‌زمان که رقیب هم هستند، در مواجهه با مسئله‌ای چون برنامه هسته‌ای ایران، به نقاط مشترکی نیز رسیده‌اند؛ نقاطی که بعدها، شکل‌دهنده بخش مهمی از تعاملات امروز میان تهران و مسکو شد.

اظهارات پوتین، از یک‌سو نگاه محتاطانه مسکو به برنامه هسته‌ای ایران را برجسته می‌کند و از سوی دیگر نشان می‌دهد، روسیه حتی در دوره‌ای که روابطش با غرب هنوز به نقطه تقابل کنونی نرسیده بود، تلاش داشت بین منافع اقتصادی و هسته‌ای خود در ایران و نگرانی‌های امنیتی جهانی، نوعی توازن برقرار کند. آنچه در دل این سخن پنهان است، واقعیتی ساده اما تعیین‌کننده است: روسیه هرگز برنامه هسته‌ای ایران را به‌طور کامل در چارچوب «هم‌پیمانی» تعریف نکرده و همواره آن را موضوعی مرتبط با امنیت منطقه‌ای و جهانی دانسته است.

در کنار این اذعان، اسناد نشان می‌دهند که به‌رغم اختلافات گسترده واشنگتن و مسکو بر سر بسیاری از موضوعات، هر دو طرف بر ضرورت مهار دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای تأکید داشته‌اند. این همگرایی، راه را برای نوعی همکاری محتاطانه باز کرده بود؛ تعاملی که نه از جنس ائتلاف بلکه بیشتر مبتنی بر «نگرانی مشترک» تعریف می‌شد. روسیه در این چارچوب، نقشی دوگانه برعهده گرفت: از یک‌سو شریک فنی ایران در پروژه نیروگاه بوشهر بود و از سوی دیگر می‌کوشید با تأمین سوخت و ایجاد سازوکارهای نظارتی، استدلال کند که تهران نیازی به غنی‌سازی مستقل نخواهد داشت.

اما نگرانی‌های روسیه فقط محدود به مسئله فنی نبود. در مکالمات سال ۲۰۰۵ پوتین نسبت به ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت هشدار می‌دهد و بیم آن دارد که چنین اقدامی، تهران را به مسیری مشابه کره‌شمالی بکشاند؛ مسیری که در آن، فشار بین‌المللی نه به عقب‌نشینی بلکه به سرعت گرفتن برنامه‌ها می‌انجامد. این

آجیل قسطنطنیه یا غذای نیم‌پرس؟ وضعیت کالاهای ضروری مانند گوشت، مرغ، تخم‌مرغ، برنج، لبنیات و سایر کالاهای اساسی نیز روز به‌روز با افزایش قیمت‌ها و کمبودها همراه بوده و دیگر نیازی به توضیح اضافه ندارد. با این وجود به‌نظر می‌رسد اگر تحریم برخی داشته بیشتر به‌نفع طبقات ثروتمند و پرنفوذ جامعه بوده است چراکه این گروه‌ها توانسته‌اند، فشارهای اقتصادی را پشت سر بگذارند و از فرصت‌ها بهره ببرند.

اشاره عراقچی به مسیر دشوار رفع تحریم‌ها نیز چیزی جز صبر و بردباری بیشتر را به ذهن مردم متبادر نمی‌کند. اما برای کسی که شب‌ها با قیمت گوشت و برنج سر و کله می‌زند این توضیح بیشتر شبیه یک لطیفه تلخ است تا راهنمای عملی که



بیشتر نشان‌دهنده فاصله میان مسئولیت و واقعیت است. واقعیت این است که تحریم‌ها، شکاف عمیقی میان وعده‌ها و واقعیت زندگی مردم ایجاد کرده‌اند. سال‌ها از وعده‌های رفع تحریم‌ها گذشته اما مردم همچنان با مشکلات جدی مواجه هستند و این فاصله میان زبان مسئولان و تجربه واقعی مردم مسئله‌ای است که نمی‌توان به سادگی از آن گذشت.

اظهارات عراقچی بیش از هر چیز نشان می‌دهد که «برکات» تحریم نه در سبب خانوار بلکه در دفترچه آمار و گزارش‌های دولتی نمود پیدا کرده‌اند. اما مردم ایران همچنان با واقعیتی روبه‌رو هستند که هیچ جمله‌پردازی زخم‌زبان‌ی نمی‌تواند آن را پنهان کند.

اروپا

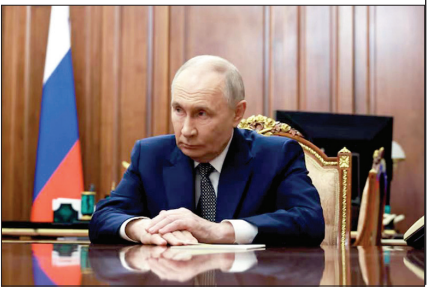
پوتین کل دونباس را می‌خواهد

توافق آمریکا و روسیه برای ادامه مذاکره

روزنامه روسی «کومرسانت» گزارش می‌دهد که «ولادیمیر پوتین»، رئیس‌جمهور روسیه، به رهبران تجاری کشورش گفته که ممکن است برای تبادل برخی از سرزمین‌های تحت کنترل نیروهای روسی در اوکراین آماده باشد اما کل منطقه دونباس را می‌خواهد.

«آندری کولسینکوف»، خبرنگار کرملین این روزنامه گفت که «پوتین در جلسه‌ای که اواخر شب ۲۴ دسامبر در کرملین برگزار شد، رهبران تجاری را در جریان جزئیات این طرح قرار داد». این روزنامه گفت که پوتین تأکید کرد که «طرف روسی همچنان آماده است تا همان امتیازاتی که در انکوریج داد، بدهد». «ولودیمیر زلنسکی»، رئیس‌جمهور اوکراین، روز چهارشنبه در بیانیه‌ای که توسط دفترش منتشر شد به خبرنگاران گفت که هیات‌های اوکراینی و آمریکایی در مذاکراتی که اوایل هفته در میامی برگزار شد به نهایی کردن یک طرح ۲۰ ماده‌ای نزدیک شده‌اند. وی افزود با این حال اوکراین و ایالات متحده در مورد درخواست اوکراین برای واگذاری بخش‌هایی از دونباس که هنوز کنترل می‌کند، یا در مورد آینده نیروگاه هسته‌ای زاپوریژیا که تحت کنترل روسیه است به توافق نرسیده‌اند. این درحالی است که زلنسکی قصد دارد در آینده نزدیک پس از هفته‌ها تلاش‌های دیپلماتیک فشرده برای پایان دادن به درگیری روسیه و اوکراین در بحبوحه تشدید قابل توجه درگیری‌ها از هر دو طرف با «دونالد ترامپ»، رئیس‌جمهور آمریکا دیدار کند.

در همین حال، سخنگوی کاخ کرملین به خبرنگاران گفت که به دستور «ولادیمیر پوتین»، رئیس‌جمهور روسیه پس از تجزیه و تحلیل اسناد ارائه شده توسط «کریل دمیتریف»، مدیرعامل صندوق سرمایه‌گذاری مستقیم روسیه (RDIF) از ایالات متحده، تماسی بین نمایندگان دولت‌های روسیه و ایالات متحده برقرار شد. این مقام کرملین همچنین افزود که «یوری اوشاکوف» دستیار کرملین و چندین مقام کاخ سفید در تماس بین روسیه و ایالات متحده شرکت داشتند. به گفته او، کی‌یف به انواع ترغندها برای اخاذی از غرب متوسل می‌شود و این رویه همچنان ادامه دارد. انتشار اطلاعات مربوط به اسنادی که دمیتریف پس از مذاکراتش در ایالات متحده با خود آورده است، می‌تواند بر روند مذاکرات تأثیر منفی بگذارد.



تجسمی

نسل طلایی کاریکاتور

روایت **بهرام عظیمی** از جایگاه جهانی کاریکاتور ایران



بهرام عظیمی با بیان این‌که بیشتر جوایز معتبر کاریکاتور جهان به ایرانی‌ها رسیده است، می‌گوید تعداد کارتون‌نیزست‌ها و کاریکاتوریست‌های ایران در عرصهٔ بین‌المللی بسیار زیاد است و ایران از لحاظ شرکت‌کننده در تمام جشنواره‌های معتبر جهانی، جایگاه اول تا سوم را دارد. این کاریکاتوریست با اشاره به جایگاه معتبر کاریکاتسور ایران در جهان به ایسنا گفت: کیفیت آثار هنرمندان ایرانی بالاست و اکثر جوایز معتبر دنیا توسط هنرمندان ایرانی کسب شده است. حتی همین الان نیز هر ماه سه یا چهار ایرانی در جشنواره‌های بین‌المللی جزو نفرات اول تا سوم هستند.

کاهش اعتبار دوسالانهٔ کاریکاتور تهران

عظیمی که عضو شورای اجرایی دوازدهمین دوسالانه بین‌المللی کارتون و کاریکاتور تهران است با بیان این‌که دوسالانهٔ کاریکاتور تهران تا زمانی که به شکل مرتب برگزار می‌شد، جزو سه جشنواره بزرگ دنیا بود، گفت: «برای هر کاریکاتوریستی در دنیا افتخار بود که اثرش به این رویداد راه می‌یافت و جایزه می‌گرفت. هشت سال وقفه در برپایی دوسالانه، کمی اعتبار آن را پائین آورده اما باز هم جزو پنج جشنواره برتر دنیاست. این رویداد حدود ۳۰ سال قدمت دارد، حضور بهتری‌سن داوران، هزینه‌کرد خوب و برپایی بهترین نمایشگاه‌ها در موزه هنرهای معاصر تهران به دوسالانه جایگاه ویژه‌ای داده است. خارجی‌هایی که به عنوان داور و برندهٔ این رویداد به ایران می‌آمدند و می‌دیدند که فضای موزه برای برپایی نمایشگاه انتخاب شده است، شگفت‌زده می‌شدند؛ زیرا مکان برگزاری هیچ جشنواره‌ای در دنیا، بالاتر و باکیفیت‌تر از موزه هنرهای معاصر تهران نیست حتی جشنواره‌هایی که در ترکیه برپا می‌شوند. جایزهٔ بزرگ هشت هزار یورویی این رویداد، یکی از جوایز ارزنده دوسالانه تهران است. داوران را از آمریکا، اروپا و آسیا دعوت می‌کنیم که این خودش هزینه‌کرد بالایی دارد و برای آنها کارگاه‌های هنری و سخنرانی برپا می‌کنیم. اختتامیه‌های خوبی داریم. تمام این موارد بر اعتبار دوسالانه کاریکاتور تهران افزوده است.»

داوران افسانه‌ای

عضو شورای اجرایی دوسالانه دوازدهم تصریح کرد: «زمانی که می‌گویم جشنواره‌ای بین‌المللی است، یعنی باید تعداد کشورهای شرکت‌کننده زیاد باشد. هم‌چنین مهم است، داوران تا چه اندازه شناخته‌شده باشند. نام داوران خارجی ما در دوسالانه تهران افسانه‌ای است. انگار که برای جشنواره‌ای جیمز کامرون و استیون آلن اسپیلبرگ را دعوت کنید. نام داوران دوسالانه نیز در دنیای کارتون و کاریکاتور در این اندازه هستند.» عظیمی با اشاره به اینکه تمام هنرمندان حوزه کارتون و کاریکاتور در دنیا دوسالانه تهران را می‌شناسند، گفت: «جایزه گرفتن در این رویداد، اعتبار جهانی دارد. و اگر بیوگرافی هنرمندان مطرح را ببینید، در صورت گرفتن جایزه تهران، آن را در اولویت معرفی خودشان قرار می‌دهند.

نسل طلایی

این طراح کاراکتر به نقش جریان‌سازی دوسالانه کاریکاتور تهران اشاره کرد و افزود: «دو اتفاق پس از انقلاب در حوزهٔ کارتون و کاریکاتسور ایران افتاد که باعث پرورش نسل طلایی در هنر ایران شد. اول انتشار مجله کیهان کاریکاتور که نسل ما را در زمانی که هیچ راه ارتباطی مانند امروز با هنرمندان خارجی نبود با جشنواره‌ها، آثار روز

و اخبار این حوزه آشنا می‌کرد. تقریباً یکی دو سال بعد از انتشار کیهان کاریکاتور، دوسالانه کاریکاتور تهران شکل گرفت، یک جشنواره معتبر که سبب شد تا هم‌نسلان من آثارشان در کنار هنرمندان خارجی روی دیوار برود. کیهان کاریکاتور و دوسالانه تهران باعث شدند که نسل حرفه‌ای در کارتون و کاریکاتور ایران شکل بگیرد. ریشه هر دو نیز به مسعود شجاعی طباطبایی و محمدحسین نیرومند بازمی‌گردد. البته در دوسالانه کاریکاتور، نام‌های دیگر هم بودند. خود من به عنوان یک کارتون‌نیزست، مدیون کیهان کاریکاتور و دوسالانه تهران هستم.» عظیمی با اشاره به استفاده از ابزارهای جدید تکنولوژی و فضای دیجیتال در خلق آثار جوان‌ترها گفت: «بالاخره دنیا درحال تغییر است. یادم می‌آید، زمانی که یک کارتون یا کاریکاتور می‌کشیدم، اگر ایده خوبی بود ۱۰ نسخه دستی شبیه هم از آن تولید و به ۱۰ جا پست می‌کردم. تازه مصیبت‌های پست و هزینه‌هایش به‌ماند. اما امروز، یک ایده به ذهن جوان‌ترها می‌رسد، با نرم‌افزار اجرا می‌کنند و با کپی‌نیزست کردن آن، تصویر را به هر کجا که می‌خواهند، می‌فرستند. بیشتر نمایشگاه‌ها پرینت‌اند و کمتر کار اورجینال می‌بینیم. ایسن امر به کاریکاتور و کارتون لطمه می‌زند. دیدن اثر قلم روی کاغذ، مقوا یا بوم، لذت‌بخش و هنرمندانه است. هنرمندانی که ۱۰۰ درصد دیجیتال کار می‌کنند نسبت به قدیمی‌ترها که آثارشان را با دست اجرا می‌کنند، ضعیف‌تر می‌دانم. نسل امروز با این حرف‌ها، موافق نیستند و ما را قدیمی می‌دانند.»

این کارتونیزست با اشاره به اینکه هوش مصنوعی هم هنرمندان نسل جدید را تبیل کرده، ادامه داد: «نسلی که قرار است، هنر فردا را آینده‌سازی کند با استفاده از نرم‌افزارها و هوش مصنوعی در خلق اثر، تبیل شده است. شاید در آینده شکل هنر تغییر کند و حرف‌های امروز من خنده‌دار به نظر بیاید.» عضو شورای اجرایی دوسالانه دوازدهم در مورد فشردگی کار در دبیرخانه گفت: «تمام اعضای شورا و دبیرخانه در این کار حرفه‌ای هستند. دوستان از تجربه‌های خود برای اینکه در زمان کم و فشرده چگونه یک جشنواره بین‌المللی را برپا کنند، نهایت استفاده و همکاری را می‌کنند.»

عظیمی با اشاره به اینکه بخش جذاب هر جشنواره کارتون و کاریکاتور، بخش چهره است، توضیح داد: «عامهٔ مردم، کاریکاتور چهره را بیشتر دوست دارند و از دیدن آن لذت می‌برند. نام هنرمندان درجه یک ایرانی که در بخش چهره معرفی کرده‌ایم، باعث می‌شود هنرمندان برای کشیدن چهره آنها کنجکاو شوند و تحقیق کنند. هدف، ارج نهادن دوسالانه دوازدهم به این نام‌هاست.» این هنرمند با اشاره به‌ موضوع عجله در دوسالانه دوازدهم گفت: «جایزهٔ بزرگ هشت‌هزار یورویی به نفر اول بخش عجله تعلق می‌گیرد. هم‌چنین برای برپایی دوسالانه هم زمان کافی نداریم و باید عجله کنیم که با موضوع دوسالانه نیز هم‌راستاست. عجله موضوع تکراری نیست، سوژه خاصی است و اگر درست درک بشود، هنرمندان از سراسر دنیا می‌توانند، آثار متنوعی خلق کنند.» این هنرمند در پایان گفت: «صحبت از این بوده که موزه هنرهای معاصر به عنوان مکان برپایی نمایشگاه نباشد. این موضوع ناراحت‌کننده‌ای است. امیدوارم به دلیل گرّه خوردن سابقه دوسالانه تهران و موزه به یکدیگر، نمایشگاه دوسالانه در همان موزه برپا شود. خبر خوب این است که قرار شده، دوسالانه دوازدهم کاریکاتور به شکل هم‌زمان با تهران در مراکز استانی افتتاح شود. این موضوع به شکل گسترده، در صورت اتفاق، برای اولین بار در سطح جهان شکل می‌گیرد.»

در سال ۲۰۲۵ دنیای ادبیات با از دست دادن چندین نویسنده برجسته و تأثیرگذار روبه‌رو شد؛ چهره‌هایی از نسل‌ها و جغرافیاهای مختلف که هر یک با آثار ماندگار خود مسیر ادبیات را دگرگون کردند؛ از ماریو بارگاس یوسا، برندهٔ نوبل ادبیات و نمایندهٔ نسل طلایی آمریکای لاتین تا فردریک فورسایت، خالق تریلرهای سیاسی مدرن و نگوگی تیونگو غول ادبیات آفریقا و … که هر یک به شیوه‌ای متفاوت، زبان و ادبیات را گسترش دادند.

بازمانده نسل غول‌ها

ماریو بارگاس یوسا، نویسندهٔ برندهٔ نوبل ادبیات و اهل کشور پرو، یکی از مهم‌ترین چهره‌های ادبیات آمریکای لاتین بود که در ۸۹ سالگی درگذشت. یوسا (متولد ۲۸ مارس ۱۹۳۶) بازماندهٔ نسل طلایی غول‌های ادبی آمریکای لاتین بود که در سال ۱۹۹۳ تابعیت اسپانیا را گرفت.

از مهم‌ترین آثار او می‌توان به «سال‌های سگی» (۱۹۶۶)، «جنگ آخرالزمان» (۱۹۸۴)، «مرگ در آند» (۱۹۹۶) و «سوربز» (۲۰۰۲) همچنین «سردسته‌ها»، «گفت‌وگو در کاتدرال»، «زندگی واقعی آلخاندرو مایتا»، «در ستایش نامادری»، «راه بهشت»، «چرا ادبیات؟» و «دوشیزه خانم تاکنا» اشاره کرد. یوسا در سال ۲۰۰۸ نشان عالی هنر و ادبیات فرانسه را دریافت کرد. او که جایزهٔ ادبی «دن‌کیشوت» در کارنامه افتخاراتش به چشم می‌خورد، در سال ۱۹۹۵ توانست جایزه سروانتس، مهم‌ترین جایزه ادبی نویسندگان اسپانیولی‌زبان را از آن خود کند همچنین در سال ۱۹۹۶ برنده جایزه صلح آلمان شد. او روز هفتم اکتبر سال ۲۰۱۰ در حالی برنده جایزه نوبل ادبیات شد که حدود ۲۰ سال به عنوان یکی از کاندیداهای این جایزه پرافتخار شناخته می‌شد.

جاسوسی که نویسنده شد

فردریک فورسایت، نویسندهٔ نامدار و خالق رمان کلاسیک «روز شغال»، که سابقهٔهمکاری با سازمان اطلاعات بریتانیا را داشت، پس از یک دوره کوتاه بیماری در ۸۶ سالگی درگذشت. این نویسنده نامسدار بریتانیایی بسا ترکیب تجربه‌های میدانی و تحقیق‌های دقیق، سبک تازه‌ای در رمان‌نویسی دلهره‌آور پدید آورد و بیش از ۷۵ میلیون نسخه از آثارش در سراسر جهان به فروش رسید. فورسایت در طول عمرش بیش از ۲۵ کتاب نوشت که در مجموع بیش از ۷۵ میلیون نسخه فروختند.

سینمای ایران

خاموش‌شدگان

نویسندگانی که سال ۲۰۲۵ را به پایان نرساندند

برنده اسکار

تام استاپارد، نمایش‌نامه‌نویس و فیلم‌نامه‌نویس برندهٔ اسکار فیلم «شکسپیر عاشق» در ۸۸ سالگی درگذشت. استاپارد با نمایش‌نامه «روزنکراتتس و گیلدنسترن مرده‌اند» سال ۱۹۶۶ وارد صحنهٔ تئاتر بریتانیا شد؛ اثری دربارهٔ دو شخصیت فرعی نمایش‌نامه «هملت» شکسپیر. او در نمایش‌های دیگر از جمله «جیزر واقعی» (۱۹۸۲) و «آرکادیا» (۱۹۹۳) شناخته شد و با نمایش‌نامه «روزنکراتتس و گیلدنسترن مرده‌اند» نخستین بار در جشنواره ادینبرو در ۱۹۶۶ نقدهای متفاوتی دریافت کرد. سپس توسط کمپانی تئاتر ملی در اولد ویک و بعد در برادوی اجرا شد؛ جایی که استاپارد در ۱۹۶۸ نخستین جایزهٔ تونی خود را گرفت. او فیلم‌نامه اقتباس سینمایی این اثر را نیز نوشت؛ فیلمی که در سال ۱۹۹۰ شیر طلایی جشنواره ونیز را برد. در دههٔ ۱۹۷۰ استاپارد با آثاری چون «جهنده‌ها» (۱۹۷۲) و «مسافرت‌ها» (۱۹۷۴) موفقیت چشمگیری به دست آورد. «مسافرت‌ها» در ۱۹۷۶ جایزه تونی را گرفت. در سال ۲۰۱۳ انجمن نویسندگان آمریکا، جایزهٔ «لورل» را برای یک عمر دستاورد در فیلمنامه‌نویسی سینمایی به او اعطا کرد.

افشاگر تمامیت‌خواهی

ایوان کلیما، نویسنده چک و مخالف کمونیسم که زندگی و آثارش تحت‌تأثیر رژیم‌های تمامیت‌خواه اروپا در قرن بیستم شکل گرفته بود، در ۹۴ سالگی از دنیا رفت. کلیما نویسنده‌ای پرکار بود که رمان، نمایشنامه، مجموعه داستان کوتاه، مقاله و کتاب کودک منتشر کرد و به نویسنده‌ای شناخته‌شده در سطح بین‌المللی تبدیل شد. آثار او به بیش از ۳۰ زبان ترجمه شدند. این نویسنده که با عنوان «ایوان کادرز» ۱۴ سپتامبر ۱۹۳۱ در پراگ به دنیا آمد، نخستین تجربهٔ مواجهه با رژیم سرکوبگر را در طول جنگ جهانی دوم، زمانی که خانوادهٔ یهودی او به اردوگاه کار اجباری ترزینشتات منتقل شدند، داشت. با وجود دشواری‌ها، همه آن‌ها زنده ماندند. کلیما جزو گروهی از نویسندگان بااستعداد از جمله «میلان کوندرا»، «پاول کوهوٲ» و «لودویک واکولیک» (Ludvík Vaculík) بود که پس از جنگ با امید زیاد به کمونیسم روی آوردند اما با ماهیت تمامیت‌خواه آن و سرکوب بی‌رحمانه مخالفان به‌شدت ناامید شدند. او پس از انقلاب مخملی سال ۱۹۸۹ به‌طور تمام‌وقت روی نوشتن تمرکز کرد. علاوه بر «قاضی در دادگاه»، دیگر آثار شناخته‌شده او شامل «عشق و زیالیه‌ها»، «تجارت‌های طلایی من» و «روح پراگ و مقالات دیگر» هستند. کلیما سال ۲۰۰۲ مدال خدمات برجسته به جمهوری چک را دریافت کرد. همان سال «کلیما» همچنین جایزه معتبر فرانتس کافکا را دریافت کرد.

روایتگر راستین اساطیر

درباره بهرام بیضایی، خالق جهان‌های استعاری در سینما و تئاتر ایران

متعددی نوشته و بیش از ۷۰ کتاب، تک‌نگاشت، نمایشنامه و فیلمنامه منتشر کرده است. او ۱۴ نمایش روی صحنه برده، ۱۰ فیلم بلند و ۴ فیلم کوتاه کارگردانی کرده است. آثار بیضایی از اساطیر و تاریخ هند و ایران الهام گرفته و برپایه مطالعات او در ادبیات و زبان‌های باستانی ایران شکل گرفته است. او فرم‌های بومی تئاتر ایرانی را در آثار نمایشی و سینمایی خود بازسازی کرده است. کتاب او، تئاتر در ایران، مطالعه‌ای جامع درباره شواهد تاریخی ریشه‌های گونه‌های نمایشی ایرانی مانند نقالی، خیمه‌شب‌بازی، تعزیه و روحوضی است. تک‌نگاشت‌ها و مقالات او به بررسی هنرهای نمایشی هند، چین و ژاپن نیز می‌پردازند. آثار پژوهشی او مانند «هزار افسانه کجاست؟» و «در جست‌وجوی ریشه‌های درخت کهن» به بررسی ریشه‌های «هزار و یک شب» و ارتباط آن با آثار مهم ادبی ایران مانند شاهنامه در منابع پیش و پس از اسلام می‌پردازند.

شروع کار بیضایی

در شروع کار بیضایی به‌خاطر نمایشنامه‌های نوآورانه‌اش که از ادبیات کلاسیک فارسی الهام می‌گرفت، شناخته شد. کارهای او همواره برپایه استعاره‌های زبانی و فرهنگی ایرانی بنا شده‌اند. از نوجوانی علاقه زیادی به سینما و تئاتر داشت و همه فیلم‌های جدید را می‌دید و به‌طور منظم نمایشنامه می‌نوشت و منتشر می‌کرد. در دانشگاه ادبیات فارسی خواند اما وقتی استادش با پایان‌نامه او که درباره تاریخ تئاتر ایران بود موافقت نکرد، تحصیل را رها کرد. علاقه بیضایی به سینما با تماشای فیلم‌های آمریکایی، به‌ویژه آثار هیچکاک شکل گرفت اما فیلمی که بیشترین تأثیر را بر او گذاشت، نامه‌ای از زن ناشناس (۱۹۴۸) ساخته مکس اوفولز بود. بعداً با دیدن فیلم‌هایی مانند هفت سامورایی (۱۹۵۴) با سینمای کارگردانان خارج از آمریکا آشنا شد. در سال ۱۳۴۴



سال هشتم شماره ۲۱۴۸
شنبه ۶ دی ۱۴۰۴

گزارش: سینمای جهان

هیچ انتخاب دیگری نیست

وقتی بیکاری به جنون می‌انجامد

الهه درهامی

گروه سینما، تئاتر و تلویزیون

فیلم «هیچ انتخاب دیگری نیست» محصول ۲۰۲۵ کره‌جنوبی یکی از بحث‌برانگیزترین فیلم‌های سال است. پارک چان‌ووک، یکی از برجسته‌ترین و خلاق‌ترین فیلمسازان سینمای معاصر کره‌جنوبی، با سبکی منحصر‌به‌فرد در آثارش مرزهای اخلاقی، اجتماعی و روان‌شناختی را با ترکیبی از خشونت استیلیزه و زیبایی‌شناسی بصری دقیق به چالش کشیده و جایگاهی ویژه در سینمای جهان یافته است. آخرین فیلم او «انتخاب دیگری نیست» براساس رمان تیر نوشته دونالد وست‌لیک، ادامه‌دهنده این مسیر است. این کم‌دی سیاه هیجان‌انگیز که در جشنواره ونیز مورد تحسین گسترده قرار گرفت، داستان مان‌سو (با بازی درخشان لی بیونگ‌هون)، مردی را روایت می‌کند که پس از اخراج از کارخانه تولید کاغذ برای حفظ جایگاه اجتماعی و اقتصادی خود به اقدامات افراطی روی می‌آورد. راجر ایرت، منتقد سرشناس سینمای جهان در نقدی درباره این فیلم نوشته است:

پارک چان‌ووک دقیقاً می‌داند، دوربین را کجا قرار دهد

در میانه فیلم جدید و خنده‌دار و تیز «هیچ انتخاب دیگری نیست»، صحنه‌ای وجود دارد که یو مان‌سو (با بازی لی بیونگ‌هون) ضدقهرمان داستان، آماده عبور از خطی است که دیگر بازگشتی ندارد. او اسلحه‌ای که با پلاستیک پوشیده شده و دستی با دستکش فر دارد به سمت مردی در حال خواب نشانه می‌گیرد. مان‌سو قبل از شلیک موسیقی را بلند می‌کند تا صدای گلوله را بپوشاند اما مرد بیدار می‌شود. به سختی صدای آنها از موسیقی شنیده می‌شود و درباره این بحث می‌کنند که قربانی مان‌سو هرگز به همسرش گوش نمی‌دهد و اگر فقط نصیحت او را می‌پذیرفت، خوشحالت‌تر بود. درحالی که یک آهنگ جذاب، فضا را پر کرده و دو مرد با هم جر و بحث می‌کنند، همسرش از پشت سر نزدیک می‌شود تا مان‌سو را قبل از شنیدن دفاعیاتش از او، بپوشد. این سکانس شامل زدوخورد فیزیکی و کم‌دی، خود یک اثر هنری مستقل است و یادآور توانایی شگفت‌انگیز پارک در زمینه «بلوک‌بندی، قاب‌بندی، ریتم و داستان‌سرایی غیرقابل پیش‌بینی» است. ممکن است فیلم در اطراف این صحنه چند دقیقه طولانی‌تر از حد لازم باشد اما این تنها شکایتی جزئی از یک اثر سرگرم‌کننده و درخشان است.

روایت مدرن و هوشمندانه

کارگردان «تصمیم برای ترک» و «خدمتکار» دوباره داستان تریلر ۱۹۹۷ دونالد وست‌لیک، «تبر» (که قبلاً در ۲۰۰۵ توسط کوستاس گاوراس ساخته شده بود) را برای عصری بازگو می‌کند که در آن گفت‌وگو‌ها درباره کوچک شدن نیروی کار در عصر هوش مصنوعی بسیار پررنگ است. این تصادفی نیست که پارک فیلمی ساخته درباره مردی که تلاش می‌کند تمام رقبا را حذف کند، در زمانی که اخبار درباره جایگزینی کارگران انسانی با هوش مصنوعی هر هفته تیترو می‌شوند. این فیلم هوشمندانه و فریبنده است. یک کم‌دی سیاه که گاهی شبیه اپیزودی بی‌رحمانه از «کارتون‌های دیوانه‌وار» است اما همچنین نقدی پنهان درباره فشارهایی که بر کارگران وارد می‌شود تا زنده بمانند، ارائه می‌دهد.



نیز لاج رمان «مارتین چارلویت» اثر چارلز دیکنز را برای سریالی از بی‌بی‌سی اقتباس کرد.

نویسنده محبوب زنان

تام راینرز، نویسنده آثاری چون «حتی دختران گاوچران هم نغمه بلسوز را می‌فهمند»، «جاذبه‌ای دیگر کنار جاده» و «زندگی ساکن با دارکوب» بود که در ۹۲ سالگی درگذشت. اولین رمان او «جاذبه‌ای دیگر کنار جاده» در سال ۱۹۷۱ منتشر شد. پنج سال بعد، او با کتاب «حتی دختران گاوچران‌ها نغمه بلوز را می‌فهمند» بازگشت که روایت شخصیت سیسی هنکشا در سفری پرافتاق بود و او را به نویسنده‌ای محبوب در محافل ضدفرهنگ تبدیل کرد. راینرز اغلب شخصیت‌های زن قوی در داستان‌هایش خلق می‌کرد، که باعث محبوبیت او میان خوانندگان زن شد. با این حال، منتقدان ادبی هیچ‌گاه او را جدی نگرفتند و آثارش را «فرمولی» و سبک نگارش او را «اغراق‌شده» می‌دانستند.

نویسنده عامه‌پسند

سوفی کینسلا، نویسنده بریتانیایی که با مجموعه رمان‌های پرفروش «معتاد به خرید» شناخته می‌شد، در ۵۵ سالگی بر اثر سرطان مغز درگذشت. کینسلا از سال ۲۰۰۰ در مجموع ۱۰ رمان از مجموعه «خریدباز» منتشر کرد که با «راز رویای یک معتاد به خرید» آغاز شد و در آمریکا با عنوان «اعترافات یک معتاد به خرید» منتشر شد. او آثار داستانی دیگری نیز نوشت. کتاب‌های این نویسنده بیش از ۴۵ میلیون نسخه در جهان فروش داشته و به ده‌ها زبان ترجمه شده‌اند. کینسلا نخستین رمانش را با عنوان «همانی تیس» در سال ۱۹۹۵ با نام مدلین و یک‌هام منتشر کرد. کمی بعد، کار خبرنگاری را رها کرد تا بر نویسندگی تمرکز کند. سپس شش کتاب دیگر، از جمله «دروازه شکن» و «تمهیدات خواب» منتشر کرد. دو کتاب نخست از مجموعه «معتاد به خرید» در سال ۲۰۰۹ در فیلم «اعترافات یک معتاد به خرید» با بازی آیلآ فیشر و هيو دنسی اقتباس شدند. سوفی کینسلا همچنین نگارش رمان‌هایی چون «مرا به یادآور»، «ال‌هه غیراهلی» و «دختر بیست‌ساله» را نیز در کارنامه دارد.

فیلم ابتدا ممنوع شد سپس با شرط حذف نام سوسن تسلیمی از عنوان اصلی، نمایش داده شد.

تمرکز بر زنان و نقد جامعه

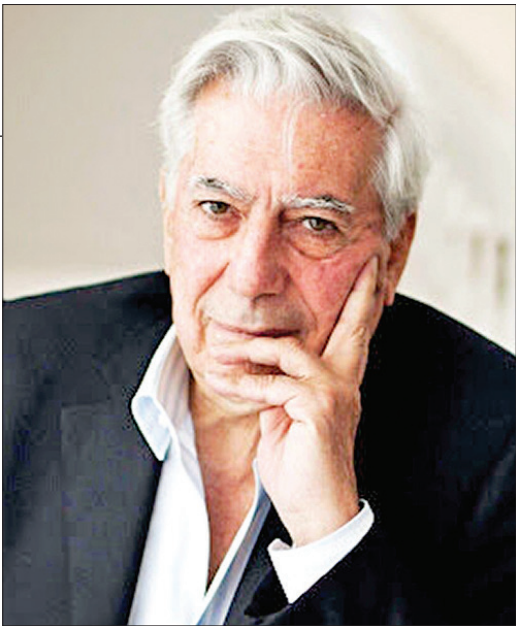
فیلم بعدی‌اش مسافران ۱۳۷۰ داستانی استعاری است و غالباً درون خانه اتفاق می‌افتد و او زنان را در مرکز داستان قرار می‌دهد. سوسن تسلیمی می‌گوید: «بیضایی یکی از نخستین کارگردانان ایرانی بود که زن را در مرکز فیلم قرار داد و جامعه مردسالار را به چالش کشید».

آخرین فیلم و مهاجرت

آخرین فیلمی که بهرام بیضایی در ایران ساخت، فیلم بحث‌برانگیز وقتی همه خوابیم ۱۳۸۷ بود: «تمام فیلم‌هایم درباره هویت است». او سپس در سال ۱۳۸۹ ایران را ترک کرد: «از سیاست و سیاستمداران بیزارم و نمی‌توانستم شاهد تحقیر فرزندانم باشم». همسرش، مزده شمسایی، می‌گوید: «عشق به ایران در بهرام به حدی است که فقط با شنیدن نام ایران، اشک در چشمانش جمع می‌شود».

مخاطبان خارج از ایران

بیضایی اولین بار در سن ۲۵ سالگی به مخاطبان غربی معرفی شد، زمانی که نمایشنامه‌اش در جشنواره‌ای در پاریس در سال ۱۹۶۳ روی صحنه رفت. او همچنین چندین کتاب و ت‌کنگاری درباره تئاتر ایران، ژاپن، چین و کتابی درباره فیلم‌های هیچ‌کاک نوشته است. بیضایی همچنین پژوهش گسترده‌ای درباره ریشه‌های «هزار و یک شب» انجام داده که منجر به دو ت‌کنگاری شد: «در جست‌وجوی ریشه‌های درخت کهن» و دیگری درباره کتاب باستانی گمشده «هزار افسانه کجاست؟». در پنج دهه گذشته، بیضایی بیش از ۳۵ نمایشنامه منتشر کرده که برخی به انگلیسی، فرانسه، آلمانی و پرتغالی ترجمه و منتشر شده‌اند همچنین بیش از ۵۰ فیلمنامه نوشته است. در سال‌های اخیر، او نمایش‌هایی با عنوان‌های «جانا و بلادور»، «آرش»، «هزار و یکمین شب»، «اردو ویراف»، «طرب‌نامه» بخش ۱ و ۲، «چهارراه» و «داش آکل به‌گفته مرجان» (بخش ۱) را کارگردانی کرده است که همه با حمایت برنامه مطالعات ایران در دانشگاه استنفورد و جشنواره هنرهای ایرانی استنفورد تولید شده‌اند.



نویسنده کودکان و بزرگسالان

جین گاردام، نویسنده برجسته بریتانیایی و خالق آثار تحسین‌شده‌ای چون «اولد فیلث» و «سرزمین توخالی»، در سن ۹۶ سالگی درگذشت. او تنها نویسنده‌ای بود که موفق شد جایزه وایتبرد (که بعدها به کاستا تغییر نام داد) را در دو بخش مختلف کسب کند: در سال ۱۹۸۱ برای رمان کودک «سرزمین توخالی» و در سال ۱۹۹۱ برای رمان بزرگسالان «ملکه تئیسور». همچنین رمان «اوید فیلث» او نیز در سال ۲۰۱۵ از سوی بی‌بی‌سی در فهرست «۱۰۰ رمان برتر بریتانیایی» جای گرفت. رمان «دختر رابینسون کروزو» نوشته جین گاردام که در سال ۱۹۸۵ منتشر شد، تا حد زیادی از مادرش الهام گرفته بود. گاردام گفته بود این رمان درباره دختری است که از تحصیل محروم شده، فقط چون دختر است و اگر پسر بود، برایش هزینه تحصیل فراهم می‌شد. آخرین کتاب او «آخرین دوستان» بود که در سال ۲۰۱۳ منتشر شد. این رمان بخش پایانی سه‌گانه‌ای بود که با «اولد فیلث» آغاز شده و با «مردی با کلاه چوبی» ادامه یافته بود.

منتقد رمان نویسی

دیوید لاج، نویسنده و منتقد مطرح ادبی اهل بریتانیا از جمله چهره‌های مهم ادبی بود که در سال ۲۰۲۵ از ۸۹ سالگی درگذشت. این نویسنده که بیش از ۲۰ کتاب نوشته، بیشتر به خاطر رمان سه‌گانه تخیلی درباره دانشگاه بیرمنگام به شهرت رسید، جایی که از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۷ در آنجا کار می‌کرد. لاج بیش از ۲۰ رمان، آثار غیرداستانی، فیلم‌نامه و نمایش‌نامه نوشت. او دو بار نامزد جایزه بوکر شد؛ نخستین بار برای رمان «دنیای کوچک» در سال ۱۹۸۴ و دو بار در سال ۱۹۸۸ برای رمان «کار خوب» که دومین و سومین بخش از سه‌گانه معروف او هستند. لاج از جمله مشهورترین تفسیرکنندگان نظریه رومن یاکوبسن درباره کاربرد مباحث مربوط به زبان‌پیشی در بررسی سبک‌های ادبی بود. لاج در سال ۱۹۹۷ نشان شوالیه هنر و ادبیات و در سال ۱۹۹۸ نشان امپراتوری بریتانیا را دریافت کرد و در سال ۱۹۷۶ به عضویت انجمن سلطنتی ادبیات درآمد. رمان‌های «دنیای کوچک» و «کار خوب» از آثار دیوید لاج به سریال‌های تلویزیونی اقتباس شدند. در سال ۱۹۹۴

با تأسیس کانون پرورش فکری کودک و نوجوان به عضویت آن درآمد.

سه‌گانه آغازین

بیضایی می‌گوید، همیشه سعی کرده از پیام‌های آشکار اجتناب کند و این در آثارش به‌خوبی قابل لمس است. موفقیت بزرگ بیضایی با فیلم رگبار ۱۳۵۱ بود. این فیلم جایزه هیات داوران جشنواره بین‌المللی فیلم تهران را کسب کرد: «من هیچ مرزی میان واقعیت، رویا و کابوس نمی‌بینم. آنها پشت سر هم می‌آیند. زندگی روزمره ما، تحقق رویاهایی است که داریم یا از آنها محرومیم». پس از انقلاب، بیضایی دوباره به تئاتر بازگشت. دو فیلم اول او بعد از انقلاب، «چرکه تارا» ۱۳۵۷ و «مرگ یزدگرد» ۱۳۵۸، اجازه نمایش پیدا نکردند: «کارگردانان ایرانی فهمیدند که باید با بال‌های بسته پرواز کنند». سپس او با الهام از هیچ‌کاک، فیلم شاید وقتی دیگر (۱۳۶۶) را ساخت و بعد از آن، فیلمی که بسیاری آن را شاهکارش می‌دانند، باشو، غریبه کوچک (۱۳۶۴) که داستان پسری است که از جنوب جنگ‌زده ایران به شمال پناه می‌برد.



دیدگاه: یادداشت اقتصادی

دست بسته دولت

مقایسه بودجه ۱۴۰۴ با بودجه انقباضی ۱۴۰۵

سعید مشهوری
خبرنگار سازندگی

بودجه سال ۱۴۰۵ در امتداد تحولات و محدودیت‌هایی شکل گرفت که ریشه اصلی آنها را باید در عملکرد و ساختار بودجه ۱۴۰۴ جست‌وجو کرد. بررسی دقیق بودجه ۱۴۰۴ نشان می‌دهد که این بودجه اگرچه در ظاهر تلاش داشت میان کنترل کسری و حمایت از رشد اقتصادی توازن ایجاد کند اما در عمل بسا مجموعه‌ای از نارتازی‌های انباشته و مفروضات خوش‌بینانه مواجه بود که در نهایت مسیر سیاست مالی دولت را به سمت انقباض در سال ۱۴۰۵ سوق داد. در بودجه ۱۴۰۴ بخش قابل‌توجهی از منابع بر پایه درآمد‌هایی پیش‌بینی شد که تحقق آنها با ریسک بالا همراه بود. وابستگی به درآمد‌های نفتی در شرایطی ادامه یافت که صادرات نفت با محدودیت‌های جدی ناشی از تحریم‌ها، ناطمینانی‌های ژئوپلیتیک و کاهش ظرفیت دسترسی به بازارهای جهانی روبه‌رو بود. در عمل، صادرات نفت کمتر از ارقام پیش‌بینی‌شده تحقق یافت و شکاف میان منابع مصوب و منابع وصول‌شده، فشار مستقیمی بر تراز عملیاتی بودجه وارد کرد. این شکاف، دولت را ناچار کرد از ابزارهایی مانند تنخواه بانک مرکزی و انتشار اوراق بدهی برای جبران کسری استفاده کند؛ ابزارهایی که اگرچه در کوتاهمدت کسری را پوشش دادند اما هزینه‌های میان‌مدت و بلندمدت قابل توجهی به بودجه تحمیل کردند. در سمت هزینه‌ها، بودجه ۱۴۰۴ انعطاف‌پذیری بسیار محدودی داشت. بخش اعظم هزینه‌ها به پرداخت حقوق و مزایا، مستمری بازنشستگان و تعهدات مربوط به اصل و سود اوراق اختصاص یافت؛ اقلامی که عملاً غیرقابل کاهش هستند. افزایش ضریب حقوق و رشد پرداخت‌های رفاهی، اگرچه با هدف جبران بخشی از فشار تورمی بر خانوارها انجام شد اما موجب شد، سهم هزینه‌های اجتناب‌ناپذیر در بودجه بیش از پیش افزایش یابد. در نتیجه، فضای مانور دولت برای مدیریت هزینه‌ها و اعمال سیاست‌های ضدچرخه‌ای بشدت محدود شد. از منظر تورمی نیز بودجه ۱۴۰۴ حامل پیام‌های متناقضی بود. از یک‌سو، دولت تلاش کرد با کنترل نسبی هزینه‌ها و افزایش درآمد‌های مالیاتی، سیگنال انضباط مالی ارسال کند اما از سوی دیگر، استفاده از تنخواه و رشد بدهی، انتظارات تورمی را در سطح بالایی نگه داشت. در چنین شرایطی، ادامه سیاست‌های مالی انبساطی در سال ۱۴۰۵ می‌توانست به تشدید تورم و بی‌ثباتی بیشتر منجر شود و فشار مضاعفی بر معیشت خانوارها و بازارهای مالی وارد کند. عملکرد بخشی درآمدی در بودجه ۱۴۰۴ نیز نقش مهمی در شکل‌گیری رویکرد انقباضی سال بعد داشت. اگرچه درآمد‌های مالیاتی رشد قابل‌توجهی را تجربه کردند اما این رشد عمدتاً ناشی از افزایش نرخ‌ها و گسترش پایه‌های موجود بود و نه بهبود پایدار در فعالیت‌های اقتصادی. مجموع این عوامل سبب شد، دولت در تدوین بودجه ۱۴۰۵ با یک انتخاب دشوار مواجه شود. یا ادامه مسیر انبساطی و پذیرش ریسک تورم بالاتر و ناترازی شدیدتر، یا حرکت به سمت انقباض مالی برای مهار کسری‌ها و تثبیت اقتصاد کلان. انتخاب گزینه دوم، اگرچه هزینه‌هایی در کوتاهمدت از جمله فشار بر رشد و کاهش مخارج عمرانی به همراه دارد اما از منظر سیاست‌گذار به‌عنوان راهی برای جلوگیری از تعمیق ناترازی‌ها و حفظ حداقلی از ثبات مالی در میان‌مدت تلقی شده‌است. به این ترتیب بودجه ۱۴۰۵ را می‌توان واکنشی ناگزیر به محدودیت‌ها و پیامدهای ساختاری بودجه ۱۴۰۴ دانست؛ واکنشی که بیش از آنکه حاصل یک تصمیم سیاسی باشد، نتیجه انباشت فشارهای مالی و اقتصادی در سال‌های پیش از آن است.

توسعه

بررسی تحولات اقتصادی

تاثیر جنگ ۱۲ روزه

بودجه ۱۴۰۵ چه ویژگی‌هایی دارد؟

سعید خوش‌بین
گروه اقتصاد

بودجه ۱۴۰۵ بنا به شواهد موجود به شدت انقباضی است. اما اینکه چرا دولت ناچار شد، بودجه‌ای به شدت انقباضی اتخاذ کند به تحولات پس از وقوع جنگ بازمی‌گردد. از زمان آغاز جنگ، شرایط اقتصادی کشور به‌طور ناگهانی وخیم شد و رشد اقتصادی به‌شدت کاهش یافت. رشد اقتصادی در تابستان منفی بود و به‌جز مصرف بخش دولتی که مثبت باقی ماند، مصرف بخش واقعی اقتصاد یعنی بخش خصوصی به‌طور محسوسی کاهش پیدا کرد. به‌طور مشخص، اگرچه رشد اقتصادی تابستان حدود ۰٫۳ درصد مثبت ثبت شد اما مصرف بخش خصوصی حدود منفی ۱٫۴ درصد بود و تشکیل سرمایه ثابت ناخالص نیز حدود منفی ۴٫۸ درصد کاهش یافت. به‌عبارت دیگر، اگر دولت خود را کوچک نکند، بخش خصوصی ناچار خواهد شد مجدداً مصرف خود را کاهش دهد و این موضوع می‌تواند بسیار نگران‌کننده باشد. از سوی دیگر، دولت در عملکرد ۹ ماه نسبت به ۹ ماه مصوب، یعنی معادل سه‌چهارم بودجه کل سال با بیش از ۱۰۰۰ میلیارد تومان کسری بودجه مواجه است. این مقدار کسری بودجه عددی نیست که به‌سادگی قابل جبران باشد. علاوه بر این، رقمی حدود ۳۰۰ هزار میلیارد تومان از تنخواه بانک مرکزی استفاده شده که بخش قابل‌توجهی از آن حدود ۱۳۰ تا ۱۴۰ هزار میلیارد تومان، صرف پرداخت کالابِرج شده‌است؛ آن‌هم درحالی که اساساً اعتبار مشخصی برای اجرای کالابِرج در نظر گرفته نشده‌بود. مجموع این شرایط باعث شد، وضعیت اعتباری بودجه دولت، به‌ویژه از زمان آغاز جنگ، به‌شدت فرغ‌نج شود. هم وصول درآمدها و هم صادرات نفت با خدشه‌های جدی مواجه شدند. البته تنها عامل، جنگ نبود و بخشی از این فشارها ناشی از اسنپ‌بک نیز بود. بنابراین تنظیم بودجه‌ای به‌شدت انقباضی امری اجتناب‌ناپذیر بود. علاوه بر این، نگرانی‌های تورمی نیز بسیار بالا بود. تورم بالا در صورت اتخاذ سیاست‌های انبساطی می‌توانست، آسیب جدی به وضعیت اقتصادی کشور وارد کند. در حوزه منابع، عمده رشد و تقریباً تنها رشدی که عملاً مشاهده شد مربوط به بخش مالیاتی بود. با لحاظ افزایش ۲ واحد درصد مالیات بر ارزش افزوده، رشد درآمد‌های مالیاتی حدود ۵۰ درصد بوده‌است؛ درحالی که بدون این افزایش، رشد درآمد مالیاتی حدود ۴۰ درصد برآورد می‌شود. در جزئیات اقلام مالیاتی، مالیات اشخاص حقوقی ۴۶ درصد رشد نسبت به مصوبه داشته، مالیات بر درآمدها ۴۰ درصد افزایش یافته، مالیات بر ثروت ۸۹ درصد رشد کرده و مالیات بر کالا و خدمات با لحاظ ۲ واحد درصد افزایش مالیات بر ارزش افزوده ۵۶ درصد افزایش را تجربه کرده‌است. در مقابل، حقوق گمرکی کاهش داشته‌است. دلیل این موضوع آن است که در محاسبات سال ۱۴۰۴ فرض شده بود حدود ۲ میلیارد دلار واردات خودرو با حقوق ورودی

۱۰۰ درصد و نرخ ارز ۴۲۰۰ تومان انجام شود که معادل حدود ۱۴۰ هزار میلیارد تومان درآمد ایجاد می‌کرد. درحالی که واردات واقعی خودرو حدود ۶۰۰ تا ۷۰۰ میلیون دلار بوده‌است. این واردات عمدتاً مربوط به خودروهای جانبازان و ایثارگران بوده که از سود بازرگانی معاف بوده و عملاً درآمدی برای دولت ایجاد نکرده‌است.

برآورد دیگر نیز این بود که صادرات نفت حدود ۴۲ میلیارد دلار باشد، درحالی که این رقم در سال جاری به کمتر از ۳۲ میلیارد دلار کاهش یافته‌است. این کاهش ۱۰ تا ۱۲ میلیارد دلاری در صادرات نفت، منابع ارزی لازم برای واردات خودرو را نیز محدود کرده‌است. به همین دلیل برای سال آینده تنها حدود ۴۰۰ میلیون دلار واردات خودرو در نظر گرفته شده که موجب کاهش درآمد حاصل از حقوق ورودی شده‌است.

در تفکیک حقوق ورودی، برای سال آینده حقوق ورودی سایر کالاها حدود ۱۸۴ هزار میلیارد تومان و خودرو حدود ۳۰ هزار میلیارد تومان در نظر گرفته شده‌است. حقوق معادن از ۵۵ هزار میلیارد تومان در سال جاری به ۷۷ هزار میلیارد تومان در سال آینده افزایش یافته که معادل ۴۰ درصد رشد است. به‌طور معمول، ما سالانه بین ۹۰۰ میلیون دلار تا یک میلیارد دلار حقوق معادن دریافت می‌کنیم و این رقم قابل تحقق به‌نظر می‌رسد. درآمد ناشی از حقوق ارتباطات نیز با توجه به تحقق حدود ۴۲ هزار میلیارد تومان در سال جاری درحالی که رقم مصوب ۲۸۰ هزار میلیارد تومان بوده برای سال آینده حدود ۴۳ هزار میلیارد تومان برآورد شده که برآوردی نزدیک به واقعیت است و نگرانی بابت وصول آن وجود ندارد.

در مفروضات صادرات نفت، اسناد پشتیبان وجود دارد. بیش از ۳۷ میلیون بشکه تولید نفت خام در نظر گرفته شده که ۱۹۵۰ هزار بشکه‌است و نفت صادراتی در حالت خوش‌بینانه یک میلیون و ۷۷۲ هزار بشکه صادرات در نظر گرفته شده که مصرف داخلی آن حدود یک میلیون و ۹۵۰ هزار بشکه‌است و قیمت نفت نیز ۵۴ دلار فرض شده‌است.

جدول ۲۴ به‌عنوان جدول اصلی تها‌ت‌های نفتی در نظر گرفته شده که برای تقویت بنیه دفاعی حدود ۳۰۰ هزار میلیارد تومان در آن پیش‌بینی شده و بخش عمده‌ای از منابع نفتی به این حوزه اختصاص یافته‌است. همچنین با مجوزهای اخذ شده، حدود ۲۰۵ میلیارد دلار برای وزارت راه در نظر گرفته شده‌تا پروژه‌های ریلی تکمیل شود، هرچند تحقق کامل این موضوع خوش‌بینانه ارزیابی می‌شود.

۳۱ درصد از منابع حاصل از صادرات نفت پس از کسر اقلام طرح‌های خاص جدول ۲۴ و تحویل نفت به نیروهای مسلح در قالب استقراض به دولت پرداخت می‌شود و برای طرح‌های عمرانی هزینه خواهد شد که حدود ۶۰۰ هزار میلیارد تومان برآورد می‌شود.

در حوزه اوراق، برای سال آینده ۹۴۰ هزار میلیارد تومان پیش‌بینی شده‌است؛ درحالی که این رقم در سال جاری ۸۱۰ هزار میلیارد تومان بوده و ۷۰ هزار میلیارد تومان نیز با مجوز سران

قوا اضافه شده‌است. در مجموع، انتشار اوراق در سال جاری به حدود ۸۸۰ هزار میلیارد تومان رسیده‌است.

یکی از شاخص‌های مهم در ارزیابی اوراق، ارزش حقیقی مانده اوراق در بازار است؛ چه به دلار و چه به ریال تعدیل شده با تورم. با انتشار ۹۴۰ هزار میلیارد تومان اوراق، ارزش حقیقی مانده اوراق کاهش قابل‌توجهی خواهد داشت و واکنش مثبت بازار سرمایه نیز نشان می‌دهد که بازار با این تحلیل هم‌نظر است. کاهش جدی منابع حاصل از خصوصی‌سازی نیز به این دلیل است که بخش عمده‌ای از سهام باید در قالب تها‌ت‌ر رد دیون بابت بدهی‌های دولت استفاده شود و عملاً منابع نقدی قابل‌توجهی باقی نمی‌ماند. در مجموع در بخش درآمدها حدود ۳۹ درصد رشد داشته‌ایم، واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای(نفت و مولدسازی) حدود ۷۰ درصد کاهش یافته، واگذاری دارایی‌های مالی تقریباً صفر بوده و در بخش هزینه‌ای حدود ۲ درصد کاهش ثبت شده‌است.

در بخش هزینه‌ای و حقوق و دستمزد، ضریب حقوق ۲۰ درصد رشد کرده‌است. هم‌زمان معافیت مالیاتی حقوق نیز از ۲۴ میلیون تومان به ۴۰ میلیون تومان افزایش یافته‌است. نکته مهم این است که حدود ۳۰ درصد از هزینه‌های بودجه مربوط به حقوق، مزایا و عیدی کارکنان است. علاوه بر این بیش از ۲۰ درصد از هزینه‌ها به پرداخت حقوق بازنشستگان اختصاص دارد. همچنین اصل و سود اوراق که تعهدی بلندمدت و مربوط به حدود ۲۰ سال آینده‌است حدود ۱۵ درصد از بودجه عمومی را تشکیل می‌دهد. مجموع این سه قلم که پرداخت آنها اجتناب‌ناپذیر است بیش از ۶۵ درصد کل بودجه عمومی را دربر می‌گیرد. افزایش یک واحد درصدی ضریب حقوق به‌طور مستقیم حدود ۵۰ درصد از این هزینه‌ها را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد و علاوه بر آن سایر اقلام هزینه‌ای را نیز افزایش می‌دهد. برای مثال، پرداخت‌های معیشتی کمیته‌امداد، مستمری بهزیستی و حمایت از خانواده شهدا همگی به حداقل حقوق و ضریب حقوق وابسته هستند. بنابراین افزایش ضریب حقوق، بخش بزرگی از هزینه‌های دولت را به‌صورت زنجیره‌ای افزایش می‌دهد. در مجموع، هر یک واحد درصد افزایش ضریب حقوق حدود ۲۷ هزار میلیارد تومان بار مالی برای دولت ایجاد می‌کند.

در بخش تملک دارایی‌های سرمایه‌ای، اگرچه سقف اسمی حفظ شده اما بخش مهمی از اعتبارات این حوزه به درآمد‌های اختصاصی منتقل شده‌است. در سال ۱۴۰۴ حدود ۴۰ هزار میلیارد تومان از درآمد‌های اختصاصی برای تملک دارایی‌های سرمایه‌ای هزینه می‌شد اما در سال آینده، دستگاه‌ها عملاً موظف شده‌اند ۱۲۰ هزار میلیارد تومان از درآمد‌های اختصاصی خود را به طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای اختصاص دهند.

در جداول ۲۳ و ۲۴ از ظرفیت قانون تأمین مالی استفاده شده که به‌نوعی بودجه تعهدی ایجاد می‌کند و به دولت اجازه می‌دهد زمین و سایر دارایی‌ها مانند حق پروانه حق اکتشاف، نفت و موارد مشابه را در قالب جداول تها‌ت‌ری برای اجرای پروژه‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای به‌کار گیرد.

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی نوشهر

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۰۹/۲۰، املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی نوشهر مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه ویلا معارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می گردد.
املاک متقاضی واقع در قریه کینچ پلاک ۲ اصلی بخش ۴ شلاقی کلاسه ۱۴۰۴/۳۶۷۶

رای شماره ۰۷۰۴۴۲۶۴/۳۱۰۰۷۰۴۶۰۳۱۰۰۷۰۲۰۲ فرعی آقای نصیر گذرنونی فرزند حسینعلی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی (کاربری مسکونی) به مساحت ۲۳۰/۲۷ متر مربع خریداری بدون واسطه/ با واسطه از آقای سید امیر حسینی لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی وماده ۱۲ آئین نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق این روزنامه محلی / کثیرالانتشار در شهرها منتشر ودر روستاها علاوه بر انتشار آگهی، رای هیات الصاق تادر صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی ودر روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم ورسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است ودر صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید وصدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست.

شناسه آگهی: ۲۰۷۶۷۸۸

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱/۰۶ – تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۶/۲۰

علی اکبر مقدسی فر – رییس اداره ثبت اسناد و املاک نوشهر

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی نوشهر

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۰۹/۲۰، املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی نوشهر مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه ویلا معارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می گردد.
املاک متقاضی واقع در قریه کینچ پلاک ۲ اصلی بخش ۲ ییلاقی کلاسه ۱۴۰۳/۳۴۲۰

رای شماره ۰۷۰۴۴۲۶۴/۳۱۰۰۷۰۴۶۰۳۱۰۰۷۰۲۳۳ فرعی آقای وحید سینکائی چتن فرزند بابا علی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین کشاورزی به مساحت ۱۵۰۰ متر مربع خریداری بدون واسطه/ با واسطه از آقایان عظیم پرندوش و اسکندر افراسیابی لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی وماده ۱۲ آئین نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق این روزنامه محلی / کثیرالانتشار در شهرها منتشر ودر روستاها علاوه بر انتشار آگهی، رای هیات الصاق تادر صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی ودر روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم ورسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است ودر صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید وصدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست.

شناسه آگهی: ۲۰۷۱۱۷۵

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱/۰۶ –

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۶/۲۰

علی اکبر مقدسی فر – رییس اداره ثبت اسناد و املاک نوشهر

آگهی تحدید حدود حوزه ثبتی شهرستان نوشهر

پیرو آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی وهه اسناد تبصره ذیل ماده ۱۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون اخیر الذکر تحدید حدود املاک مشروحه ذیل در ساعت و تاریخ های مقرر در محل وقوع ملک به شرح ذیل به عمل خواهد آمد.

املاک متقاضی واقع در قریه کینچ پلاک ۲ اصلی بخش ۲ ییلاقی کلاسه ۱۴۰۳/۳۴۲۰

رای شماره ۰۷۰۴۴۲۶۴/۳۱۰۰۷۰۴۶۰۳۱۰۰۷۰۲۳۳ فرعی آقای وحید سینکائی چتن فرزند بابا علی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین کشاورزی به مساحت ۱۵۰۰ متر مربع خریداری بدون واسطه/ با واسطه از آقایان عظیم پرندوش و اسکندر افراسیابی ساعت ۹ صبح روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۳۰ لذا از متقاضیان و مالکین املاک مجاور و صاحبان حقوق ارتفاقی دعوت می شود در وقت مقرر در محل وقوع ملک حضور بهم رسانند بدیهی است در صورت عدم حضور متقاضی و یا نماینده قانونی آنان طبق ماده ۱۵ قانون ثبت ملک مورد تقاضا با حدود اظهار شده از طرف مجاورین تحدید خواهد شد معترضین می توانند به اسناد ماده ۲۰ قانون ثبت و مواد ۷۴ و ۸۶ آیین نامه قانون ثبت ظرف مدت ۳۰ روز از تاریخ تنظیم صورت مجلس تحدید حدود اعتراض خود را کتبا به این اداره تسلیم و ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به واحد ثبتی مبادرت به تقدیم دادخواست به مرجع قضایی نمایند. در غیر اینصورت با ارائه گواهی عدم تقدیم دادخواست توسط متقاضی و یا نماینده قانونی وی و بدون توجه به اعتراض واصله عملیات ثبتی رعایت مقررات ادامه می یابد.

شناسه آگهی: ۲۰۷۱۱۸۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۰۶

رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان نوشهر / علی اکبر مقدسی فر

